

خوشنویس و خطاطی حروف

دانشگاه فنی و حرفه ای همدان
گروه گرافیک



کارشناسی گرافیک

خوشنویس و طراحی حروف ۱

● مقدمه

نوع نوشتار، شکل و فرم بصری حروف همواره حاوی پیام قابل توجهی هستند، چرا که ما اطلاعات را به صورت تایپوگرافی یا همان حروف نگاری دریافت می کنیم و چگونگی تایپ شدن و نوع نوشتار به کلمات رنگ می بخشند و بر روی حس انتقال معانی از طریق کلمات به ما به عنوان خواننده تاثیرگذار خواهد بود و می تواند فضایی نزدیک به لذت بردن، ترسیدن، تعلیم دیدن و یا تخیل کردن در ذهن ما ایجاد کند.

تایپوگرافی در درجه ی نخست یک مدیوم برای انتقال اطلاعات محسوب می شود، همزمان به عنوان کارکرد های اجتماعی نیز عمل کرده و با تاثیر گرفتن از دوره ی زمانی خود ظاهر می شود. کلمات معاصر ریتم، زیبایی شناسی و فلسفه مخصوص به خود را دارند.

خوشنویسی یا همان کالیگرافی هنر تجسمی مربوط به نوشتن است و به نوعی طراحی و اجرای حروف به روشی خاص محسوب می شود، بنا به تعریفی دیگر خوشنویسی هنر فرم دادن به حروف و علائم نوشتاری به شیوه ای رسا، ماهرانه و هماهنگ می باشد. فونت های خوشنویسی از مدت ها قبل محبوبیت بسیاری نزد طراحان به خصوص طراحان گرافیک برخوردار بوده اند. کالیگرافی صرفا یک نوشتن ساده نیست بلکه بیشتر نوشتن سبک وار محسوب می شود. برای موفقیت در این رشته هنری شما نیازمند شناخت کامل سبک ها و مهارت های گوناگون نوشتن می باشید تا با تمامی شکل های ممکن تک به تک حروف آشنایی کامل داشته باشید.

● تاریخچه خوشنویسی

خوب است قبل از بررسی خطوط در خوشنویسی قدری با تاریخچه و کم و کیف خوشنویسی آشنا شویم. متن زیر به اختصار و با دخل و تصرف از ویکی پدیا، این هدف را محقق می کند:

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می گیرد خوش نویس نام دارد، به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش های زیبایی شناختی خلق کند. از این رو خوشنویسی با نگارش ساده^۱ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه آرای متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ ها به چشم می خورد اما در مشرق زمین و به ویژه در سرزمین های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده^۲ آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب ها و قواعد و نظام های بسیار مشخصی شکل می گیرد و هر یک از حروف قلم های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی یابیم که ایجاد قلم های تازه و یا شیوه های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت انگیزی پدیدار می شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می آمده است.

قدیمی ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی در اوایل. تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه دار خط کوفی منحنی و قوس دار است قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده گانه

خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.

► برگ‌های قرآن به خط کوفی - ایران
- قرن یازدهم

در ایران پس از اینکه خط تصویری تبدیل به میخی گردید و مدتی میخی و آشوری و بابلی و اوستایی نوشته می‌شد پس از پیدایش خط حروفی در مصر و فنیقیه و سرایت آن به یونان در دوره اقتدار سلوکیها خط مزبور رواج یافت و چنانچه می‌بینیم سکه آنها بهمان خط است و سپس اشکانیها هم همان خط را دنبال کردند و در زمان ساسانیان خط پهلوی با خط حروفی خیلی نزدیک شد تا اینکه بعد از اسلام خواه ناخواه خط کوفی در ایران رواج یافت و مسیر ترقی خود را پیمود و از کوفی بی‌نقطه به نقطه‌دار و نسخ و نستعلیق و ثلث و رقاع و شکسته و غبار و امثال آن ترقی کرد.



در حالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات

به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هر چند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد.

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌بردند، اما اوج هنرنمایی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی - در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.



▲ خط نسخ اولیه، دو صفحه از قرآن، خط ابن بواب ایرانی

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود.

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسخ‌تعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دستمیر عماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

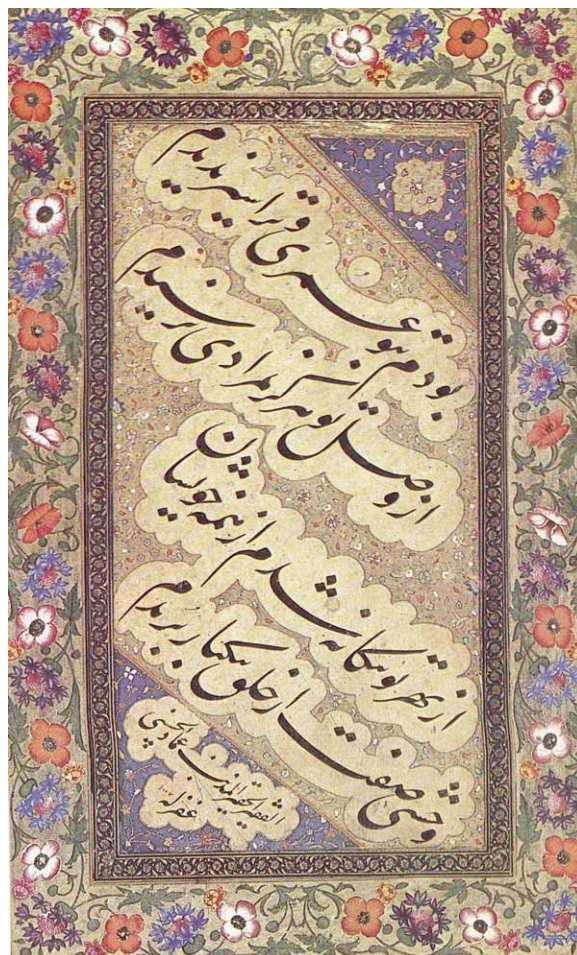
خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

► چلیپایی از میرعماد حسنی - دوره صفویه

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن را نیز بوجود آوردند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشی‌خط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان

است. انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت.



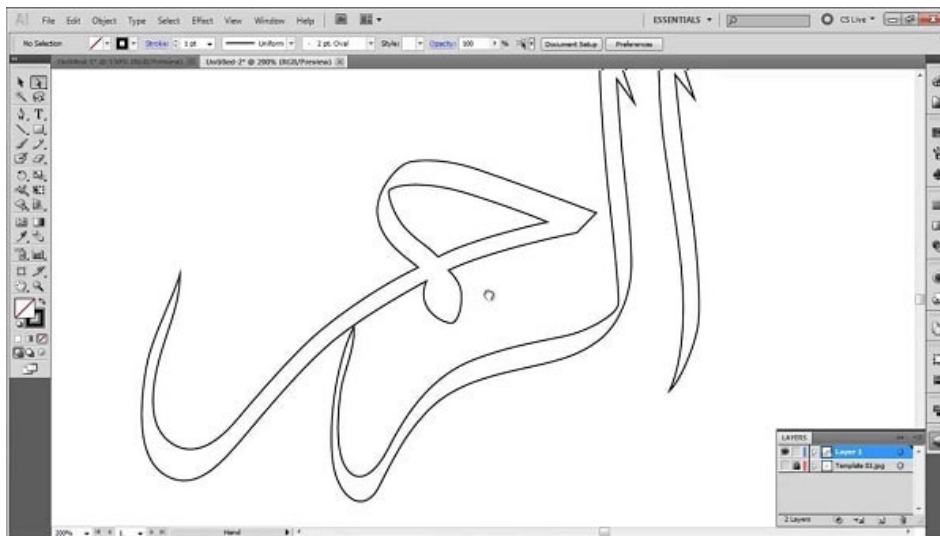
نقاشی‌خط - اثر استاد جلیل رسولی - معاصر



• خوشنویسے دستے و دیجیتال

در بخش اول سعی می کنیم تا به معرفی دو نوع دستی و دیجیتال هنر خوشنویسی پرداخته و در بخش بعدی کاربردهای این هنر در طراحی گرافیک را مورد بررسی قرار دهیم .

خوشنویسی دستی: همانطور که از عنوان مشخص است، خوشنویسی دستی به کمک دست، قلم و جوهر و با به کارگیری سبک های مختلف به آفرینش هنری خود می پردازد. حسن خطاطی دستی در این است که شما می توانید نهایت خلاقیت خود را آزادانه و بدون مواجهه با محدودیت های مربوط به نرم افزار، فونت و یا چاپگر برای نوشتن حروف به سبک منحصر به خود به کار بگیرید. مشکل اساسی خطاطی به شیوه دستی هزینه های بالای آن نسبت به خطاطی دیجیتال می باشد.



خوشنویسی
دیجیتال:

خوشنویسی دیجیتال با استفاده از فونت های طراحی شده توسط هنرمندان طراح و خوشنویس واقعی آثار خود را خلق می کند. امروزه نرم افزار های متعددی برای رونق گرفتن هر چه بیشتر خوشنویسی دیجیتال وارد

بازار شده اند نرم افزارهایی همچون بامبو فونت، فونت لب استودیو و اینک اسکپ برای خطاطی با حروف انگلیسی و نرم افزارهایی مانند مریم، چلیپا، میرعماد، نستعلیق و کلک برای خوشنویسی به زبان فارسی، همچنین نرم افزارهایی نظیر کرل، ادوبی فوتوشاپ و ادوبی ایلستریتور نیز قابلیت استفاده جهت خوشنویسی دیجیتال را نیز دارا می باشند. از مهم ترین مزیت های خوشنویسی دیجیتال صرفه اقتصادی آن نسبت به خوشنویسی دستی و امکان استفاده راحت تر از آن در آثار مربوط به طراحی گرافیک دیجیتال می باشد.

● مواجهه تایپوگرافی و خوشنویسی

اصولا تایپوگرافی به نوعی خاصی از چیدمان خط اشاره دارد که قابل چاپ و تکثیر باشد و بیشتر جز هنرهای کاربردی دسته بندی می شود. اما خوشنویسی امروزه بیشتر جزء هنرهای تزئینی است و ماهیت کاربردی آن کم رنگ تر از گذشته است.

تایپوگرافی و خوشنویسی با هم فصل های مشترکی دارند که گاهی تفکیک خطاط و طراح را از هم مشکل می کند. مخصوصا زمانی که ما در مورد خوشنویسی کتابت یا وجه کاربردی آن صحبت می کنیم، می بینیم که چقدر به اصول تایپوگرافی نزدیک است. عده ای بر این باورند که خوشنویسی نیز نوعی تایپوگرافی است به این مفهوم که خوشنویس سعی می کند که با ترکیب حروف اثری با ارزش های زیبا شناختی خلق کند و گرافیکست نیز چنان نگاهی نسبت به کار خود دارد. خیلی های دیگر بر این باورند به دلیل ماهیت ذاتا کاربردی و صنعتی تایپوگرافی نمی توان آن را با خوشنویسی که پدیده ای کمتر کاربردی و بیشتر تزئینی است، جمع کرد.

اصولا زمانی که ما از "تایپ" و "تایپوگرافی" صحبت می کنیم، از فرآیندی صنعتی، تکثیر پذیر و قابل چاپ صحبت می کنیم. در همین راستا معمولا هنر خوشنویسی و خطاطی از فضای تایپوگرافی دور می شود؛ زیرا که غالبا در آن ابعاد صنعتی، تکثیر پذیری و چاپ مطرح نیست.

▼ تایپوگرافی یا خطاطی؟ - اثر مسعود نجابتی

اما چیزی که در مواجهه تایپوگرافی و خوشنویسی قابل تامل است، اهمیت بسیار زیاد آن در شکل گیری تایپ های مدرن امروزی است. هر چیزی که ما امروز از طراحی تایپوگرافی داریم، بر دوش خوشنویسان بزرگ ما در گذشته است. کسی که بتواند خوشنویسی را درست بشناسد و انواع خطوط را درک کند، در رهیافت خود به سمت طراحی تایپ بسیار موفق تر نسبت به آنها که چنین دانشی در اختیار



ندارند عمل خواهد کرد.

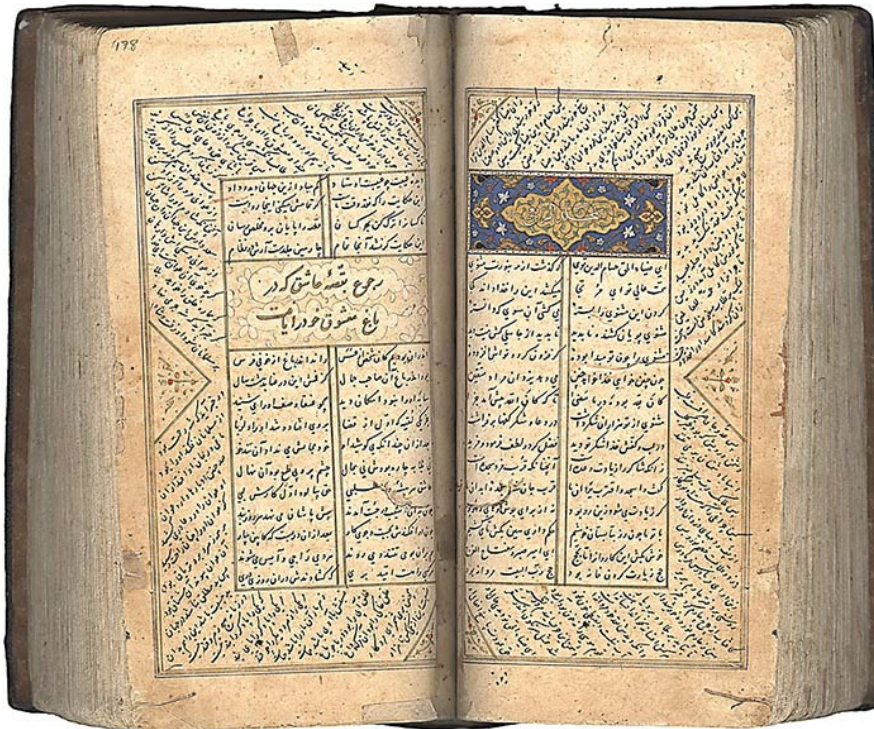
خوشنویسی یا کالیگرافی در تقابل با تایپوگرافی از این منظر که اساسا در هر دو مواد و مصالح اولیه کار شامل حروف و عبارات و کلمات و همچنین اعداد و علائم نگارشی و یا حتی ریاضی است (یعنی هر آن چیزی که قابلیت خوانده شدن دارد)، نقاط اشتراک بسیار دارند و به نوعی خوشنویسی از این حیث خود زیر مجموعه تایپوگرافی قرار می گیرد. اما تفاوت‌های عمده ای نیز در این میان مابین ایندو دیده می شود.

مهمترین تفاوت های بین خوشنویسی و تایپوگرافی در سه اصل خلاصه می شود:

- ۱- خوشنویسی بر اساس یک سری اصول از پیش تعیین شده استوار است. مثلا فرم و اندازه حروف بر اساس اصول نقطه گذاری در خطوطی مثل نستعلیق که در آن به عنوان مثال الف باید سه نقطه ارتفاع داشته باشد و... . عدم رعایت این اصول اولیه ما را از استاندارد های زیبایی شناسی خوشنویسی دور خواهد کرد در حالی که در تایپوگرافی چنین محدودیت هایی اساسا معنا ندارد.
- ۲- در خوشنویسی سنتی خلق اثر حتما با استفاده از ابزار مشخصی صورت می گیرد. مثلا قلم نی در خوشنویسی خطوط فارسی و عربی و یا قلم مو در خوشنویسی شوق دور و یا قلم فلزی در خوشنویسی حروف لاتین
- ۳- خوشنویسی سنتی حتما باید بصورت دستی انجام شود و مثلا با بهره گیری از یک فونت مثل ایران نستعلیق و تایپ یک عبارت و نهایتا پرینت آن؛ کار نهایی یک اثر خوشنویسی با تعریف سنتی آن محسوب نخواهد شد. در حالی که در تایپوگرافی خلق اثر محدود به هیچ سبک و شیوه خاصی نبوده و یا التزام به شیوه دستی یا نرم افزاری و ... وجود ندارد.

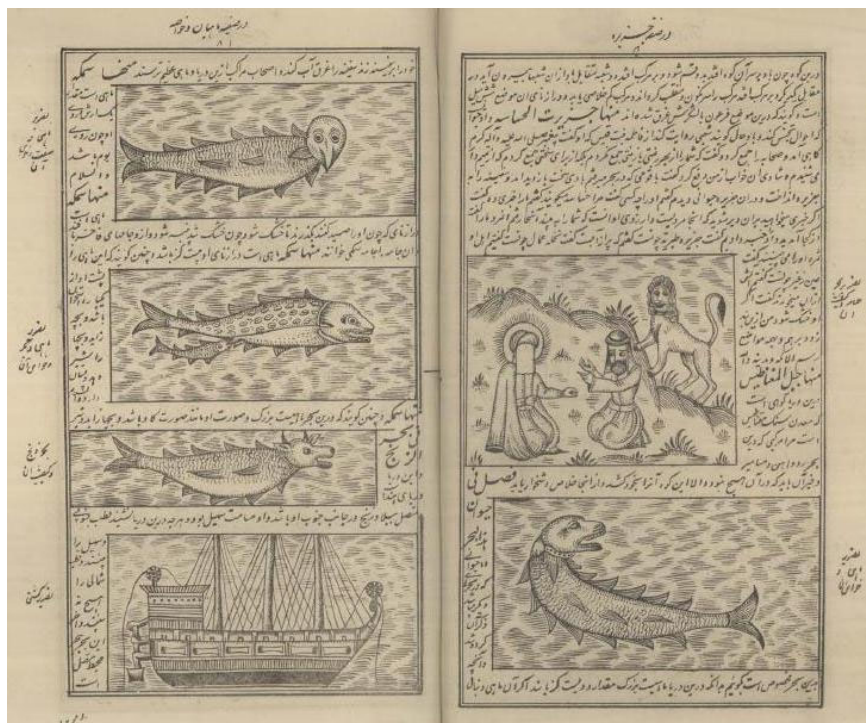
• کتابت و صفحه آرایی

به طور مشخص زمانی که دستگاه چاپی وجود ندارد ، شما باید با دست اقدام به تکثیر کتاب ها بکنید . برای این کار افراد کاتب و یا خوشنویس در یک فرآیند زمان بر کتاب ها را پیاده می کردند . در مورد خط فارسی ابتدا بیشتر برای تکثیر قرآن و کتب مذهبی کار نگارش و صفحه آرایی کتاب ها شروع شد . پس از گذشت مدت زمانی انواع کتب علمی ، شعر ، ادبیات و سایر موارد نیز به شکل کتابت تکثیر شد . چیزی که در این میان مهم بود رعایت استانداردهایی برای بالا بردن خوانایی کتاب ها است . رسم الخط و یا قوانین ای که شکل و فرم و ترکیب بندی خط را می سازند در بین کاتبان کم کم شکل گرفت . خط نستعلیق برای اشعار و ادبیات فارسی و خط نسخ برای سایر کتب محبوبیت ای بیشتر از سایر خطوط پیدا کردند . اکثر کتاب ها با انواع خط نسخ شکل گرفتند که مبنای اکثر فونت های امروزی است . فاصله ها ، نقطه گذاری ها ، ترکیب بندی ها ، حاشیه ها ، تراکم کلمات ، تعداد خط و سایر موارد مربوط به صفحه آرایی از مشترکات خوشنویسی و تایپوگرافی مدرن است . هنرهای مربوط به صفحه آرایی و تدوین استانداردهای نگارش توسط طراحان و خوشنویسان در گذشته تاثیر مستقیم و مشخصی بر صفحه آرایی مدرن دارد .



صفحه آرایی کتاب مثنوی معنوی

— مولانا



صفحه ای از کتاب عجایب
المخلوقات

• کاربرد هنر خوشنویسی در

طراحی گرافیک



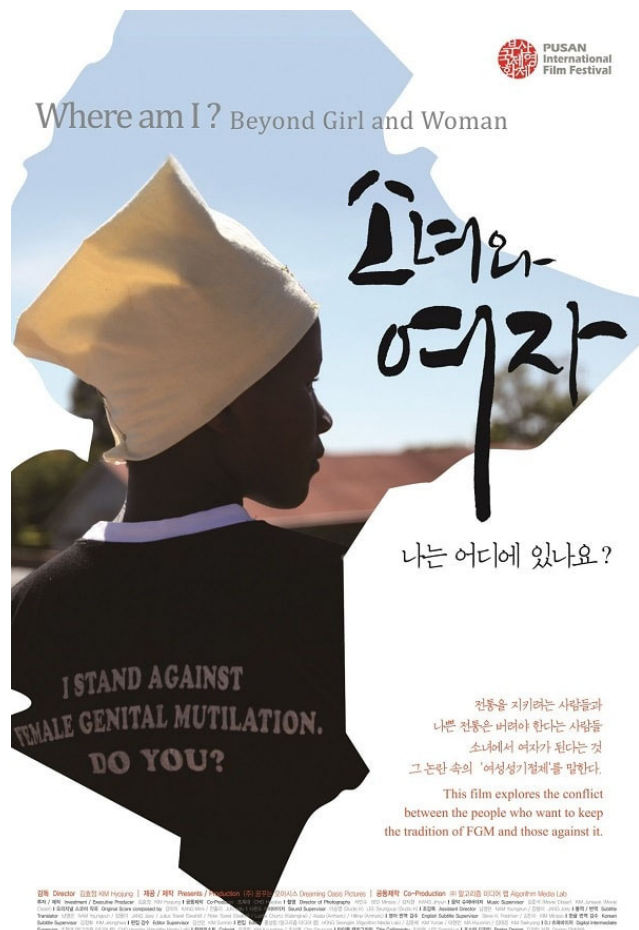
هنر خوشنویسی به دلیل زیبایی بصری و پیام رسان بودن خود قابلیت به کار بردن در آثار مختلفی که از طراحی گرافیک بهره جستن را دارا می باشد. به خصوص با پیدایش هنر خوشنویسی دیجیتال و ارتقا آن این امر سهولت بیشتری یافته است و در قسمت های مختلف

مانند طراحی پوستر، طراحی لوگو، طراحی بیلبرد، طراحی کارت ویزیت، طراحی دعوت نامه، طراحی سایت، طراحی کاتالوگ، طراحی بروشور، طراحی بر روی لباس و ظروف و تیزر های تبلیغاتی و طراحی فضاهاى مجازى استفاده هاى زیادى از آن مى شود.



موسسه فرهنگی هنری

▲ نمونه هایی از بهره گیری ظرفیت های خوشنویسی در طراحی لوگو و نشانه های نوشتاری



نمونه ای از کاربرد هنر خوشنویسی شرق دور به شیوه
ای موثر در طراحی پوستر ◀

● اصول و قواعد مهم در خوشنویسی

خوشنویسی در گذشته بیشتر به طور محض و زیبایی شناسانه مورد توجه بوده است و امروزه طراحی حروف و قلم، بیشتر ناظر به جنبه کاربردی آن است. برای آفرینش صحیح و خلاقانه این دو شاخه، علاوه بر مبانی تجسمی و کلیات، به دو دسته از اصول و فنون اشاره گردیده است، یعنی، اصول و قواعد خوشنویسی و شیوه‌های طراحی حروف به دلیل کارکرد ویژه فونت، یعنی، سادگی و سهولت خوانایی، روانی و فراگیری طیف مخاطبان، چندان لحاظ نمی‌گردند. در این قسمت پرداختن به اصطلاحات و مراحل فنی طراحی فونت و معرفی امکانات و تجهیزات تخصصی و کارکردهای ویژه آن‌ها، از حوصله و هدف این نوشتار خارج است و لیکن به طور کلی به ویژگی‌ها و اصول و قواعد خوشنویسی جهت طراحی قلم پرداخته خواهد شد.

طراحی قلم دارای ویژگی‌هایی نظیر: ترکیب، کرسی و خط زمینه حروف، تنظیم فشردگی و کشیدگی حروف، میزان ارتفاع حروف، ضخامت حروف، اتصال حروف، اندازه حروف، فواصل و چینش حروف در یک کلمه (پاساژ متعادل) و بین کلمات، نقطه در حروف و رنگ حروف می‌باشد. و طراح باید به درستی این موارد را در قلم ابداعی لحاظ نماید. این ویژگی‌ها پیوند تنگاتنگی با اصول و قواعد خوشنویسی دارند که در ادامه مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرند.

الف: ترکیب: آمیزش معتدل و موافق حرف، کلمه، جمله، سطر، دو سطر با هم و مجموعه سطرهای صفحه متن را ترکیب گویند. ترکیب چه به صورت سنتی در خوشنویسی و چه به صورت جدید در طراحی قلم از نخستین و اساسی ترین موارد به شمار می‌رود. این موارد در طراحی قلم بدین شرح می‌باشد.

۱- ترکیب در حرف و کلمه ۲- جمله و سطر ۳- سطور و صفحات ۴- رعایت فواصل (مثبت و منفی در زمینه و فضای خط)
۵- سنجش قلم با زمینه آن (تیترا، سوتیترا و متن) ۶- رعایت حسن مجاورت و نظم و اعتدال ۷- رعایت حرکات و ضوابط (مانند: نقطه، تنوین و فتحه، کسره، ضمه و سکون) ۸- رعایت نشانه گذاری دستوری.

ب- کرسی: در لغت به معنی تخت و صندلی است و لیکن کرسی در طراحی قلم، رابطه تنگاتنگی با ترکیب دارد، و جایگاه حروف و کلمات را نسبت به خط زمینه مشخص می‌سازد. کرسی در طراحی قلم بر حسب زاویه به دو نوع افقی و عمودی تقسیم می‌گردد:

۱- کرسی افقی: این نوع کرسی در خوشنویسی سنتی خود به پنج دسته تقسیم می‌گردد: کرسی محور اول، دوم، سوم و پائین. برای مثال در ترکیب یک سطر خوشنویسی، حروف و کلمات آغازین در ابتدای سطر، کمی بالاتر از کرسی محوری قرار می‌گیرند و در انتها این حروف و کلمات میل به صعود تدریجی و جایگیری در کرسی‌های اول، دوم و حتی سوم را دارند. اما در طراحی قلم به خاطر نوع کاربری و سهولت در خوانش، بیشتر کرسی محوری لحاظ می‌گردد که حروف و کلمات بر اساس این خط تنظیم و چیده می‌شوند.

۲- کرسی عمودی: که شامل دو خط اصلی، یکی در آغاز و دیگری در پایان سطر است که در تنظیم متن و صفحه آرایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج - تناسب: از قواعد خوشنویسی به طور کلی هنرهای تجسمی است و به اعتباری می‌تواند دربرگیرنده تمامی اصول و قواعد خوشنویسی و طراحی قلم باشد، به این معنی که نسبت و هماهنگی دیگر قواعد نیز، به وسیله تناسب میان آنها سنجیده می‌شود. مثلاً درباره تمرکز و تفرق فضای مثبت و منفی حروف در صدد ایجاد تناسب هستیم. یعنی با تعادل این فضاها به ارزش خاکستری یکسانی خواهیم رسید. در این طیف گسترده، تناسب بار معنایی بسیار فراگیری دارد ولی آنچه که با عنوان نسبت (تناسب) در طراحی قلم مطرح می‌باشد، عبارت است از: رعایت تناسب میان ضخامت و باریکی، کشیدگی و فشردگی، سطح و دور، اندازه، ارتفاع، شکل حروف و کلمات و بطور کلی تناسب و هماهنگی با سطر و صفحه.

د- قوت و ضعف: هرگاه در آغاز و پایان حروف (مانند دوایر) قلم، شکلی باریک‌تر از تمام قلم ایجاد نماید یا بخشی از حروف با پهنایی کمتر از تمام قلم (مانند نیش قلم یا نیم قلم و...) نوشته شوند. قوت: هرگاه در وسط کلمه‌ای کشیده یا دوایر و غیره، دم قلم به پهن‌ترین حالت خود برسد، یعنی پهنای آن بخش از حرف یا کلمه با پهنای واقعی قلم برابر شود. این دو ویژگی در قلم‌های سنتی به ویژه نستعلیق زیبایی‌اش را مدیون همین ویژگی است. اما در طراحی قلم و در عرصه چاپ و حروفچینی امکان این‌گونه جلوه‌ها و ایجاد فشار بصری از طریق رانش قلم با تنظیم فشار دست میسر نیست. یکی به دلیل یکنواختی و یکدستی فونت جهت قرائت آسان و روان مخاطب و دیگری به دلیل افت و خوردگی در ناحیه ضعف (نازکی) حروف.

ذ- سطح و دور: اگر چه سطح و دور از اصول خوشنویسی هستند، ولی ارزش دیگری نیز دارند، از اوایل قرن‌های هجری در تعریف خطوط (قلم‌ها)ی گوناگون از جمله: کوفی، ثلث و نسخ، این دو اصطلاح یعنی سطح و دور به کار رفته است، یعنی در کنار این نکته که سطح و دور از اصول خوشنویسی‌اند، می‌توان گفت، اکثراً قلم‌های متن می‌باشند، بر سطح و خطوط عمودی و افقی به دلیلی وضوح پرهیز از هرگونه آلایش و هدایت سریع و روان چشمان مخاطب، بیش از دور تکیه دارند.

س- صعود: به حرکت رو به بالای قلم در نگارش برخی حروف گویند. صعود براساس زاویه قلم در نوشتن حرف‌های رو به بالا به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود.

۱- صعود حقیقی: رعایت حرکت صاف، مستقیم و عمودی قلم رو به بالا می‌باشد، در حروفی چون، الف‌های پایانی، با، ما و نظیر این‌ها. الف‌ها در قلم‌های رایج متن در قیاس با قلم‌های تزئینی، بیشتر دارای صعود حقیقی هستند تا صعود مجازی.

۲- صعود مجازی: هرگاه در حرکت پایانی دوایر، قلم حالتی دورانی یابد، یعنی حرکتی به سمت بالا، ولی غیر مستقیم (و غیر عمود) داشته باشد.

ش- نزول: به حرکت رو به پایین قلم در نگارش برخی حروف گویند. نزول براساس زاویه قلم در نوشتن حرف‌های رو به پایین به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود.

نزول حقیقی: رعایت حرکت صاف، مستقیم و عمودی قلم رو به پایین می‌باشد، در حروفی چون (الف، ل، ک، م) الف‌ها و حروف مشابه در قلم‌های رایج متن، در قیاس با قلم‌های تزئینی، بیشتر دارای نزول حقیقی هستند تا نزول مجازی.

نزول مجازی: هرگاه قلم به طور غیر مستقیم و غیر عمود، رو به پایین حرکت کند، مانند، سرکش حروف (ک، گ).

ص- سواد و بیاض: در خوشنویسی سواد به معنای سیاهی و بیاض به معنای سفیدی می‌باشد. به عبارتی همان فضاهای مثبت و منفی بین حروف و کلمات و سطر می‌باشد. که هم در طراحی نشانه و پوستر و هم در این جا طراحی قلم، اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. تناسب و رابطه میان فضای منفی حروف با فضای مثبت، در ابعاد گوناگون دارای اهمیت است. میزان و ارزش خاکستری، حاصل تعامل و تناسب بین لکه‌های گرافیکی سیاه و سفید می‌باشد.

ض- خلوت و جلوت: از دیگر ویژگی‌های بصری خوشنویسی و طراحی قلم خلوت و جلوت می‌باشد. در لغت به معنی پنهان و آشکار و خالی و پر (خلا و ملا) می‌باشد. در خوشنویسی، از قواعد دوازده‌گانه بوده و به قاعده سواد و بیاض شباهت دارد، ولی تفاوتش در این است که خلوت و جلوت، تنها در صفحه پردازش و تعادل و توازن صفحه، دارای اهمیت و اعتبار می‌باشد. در طراحی قلم نیز این تمرکز و تفرق حروف با ترکیب حساب شده و رعایت فواصل متناسب حروف و علائم نشانه گذاری به تعادل می‌رسند. همچنین از دیگر عوامل تسهیل در این تعادل و هماهنگی بر خلاف کرسی‌های متعدد خوشنویسی، وجود یک کرسی محوری برای چینش کلمات است.

ط- ارسال: در خوشنویسی حرکت سریع و پرتابی قلم در پایان حروف و کلماتی چون (د، ر، و، مر، سر) می‌باشد که بیشتر در بخش پایانی سطر قرار دارند و از اقتضای زیبایی و ترکیب در خوشنویسی و خط نگاره‌های سنتی است. این ویژگی در طراحی قلم، به دلیل کاربرد ابزارهای متفاوت، نظیر قلم‌های نوری و نرم افزارهای گرافیکی، نسبت به خوشنویسی، دارای حساسیت کمتری است. البته ممکن است اجرا و طراحی نهایی قلم، مشابه بخش پایانی حروف خوشنویسی شده باشد، اما نحوه اجرا و حرکت سریع و پرتابی قلم بدان شکل نخواهد بود، مگر این که برای طراحی قلم جدید، از ابزارهایی نظیر قلم نی یا وسایل مشابه استفاده شود.

ظ- قلم گذاری: رعایت زاویه متناسب زبانه قلم برای نوشتن هر بخش از حروف یا کلمه می‌باشد و از اصول بسیار ظریف خوشنویسی و به‌ویژه خط نستعلیق است. با وجود رعایت دقیق آن از سوی استادان خوشنویسی، اما به صورت جدی و علمی، کمتر بدان پرداخته شده است. استادان گذشته از این زوایا را بدون نقاله و تنها با نوشتن بسیار و هماهنگی و عادت چشم و مغز با زاویه متناسب، می‌آموختند و علاوه بر تنوع ترکیب، کرسی و تناسب، در قلم گذاری در خوشنویسی، حتی تاکنون گردیده است. زاویه قلم گذاری در حروف دارای نظامی پیچیده، ولی هماهنگ است.

رعایت زوایای قلم گذاری در طراحی فونت نیز اثری مطلوب و تاثیر گذار در استحکام، زیبایی، خوانایی و شخصیت و لحن و لهجه حروف خواهد داشت. همچنین تعیین زاویه قلم گذاری، مانند، کشف ثابت‌ترین جز حروف برای طراحی، بسیار پر اهمیت می‌باشد. و در تمام حروف به طور هماهنگ دیده خواهد شد. معمولا سبک فونت با زاویه قلم گذاری ارتباط دارد.

ع- مرکب برداری: در خوشنویسی، فشار قلم بر لایقه و در نتیجه برداشتن مرکب بایستی با توجه به سه اصل انجام شود. الف؛ نوع حرف یا کلمه ب؛ نوع کاغذ ج؛ پهنای زبانه قلم. مرکب برداری شاید کمترین اهمیت را نسبت به سایر قواعد با توجه به امکانات و ابزارهای نوین طراحی قلم داشته باشد. البته برای طراحی قلم و در فرایند اجرایی طراحی قلم، شاید مرکب برداری اهمیت چندانی نداشته باشد. اما بعدها در مرحله آماده سازی فونت برای چاپ و تکثیر دارای اهمیت حیاتی است. در این جا نکته بسیار ظریف و دقیقی وجود دارد که طراح قلم باید مد نظر قرار دهد و آن لحاظ نمودن تناسب ضعف و قوت حروف و پرهیز از طراحی اجزای نازک در بدنه حروف می باشد. در ماشین های افست و دیگر مواردی که مرکب تنظیم و از طریق نوردها و سیلندرها به سطح کاغذ منتقل می گردد، همواره خطر فرسایش و خوردگی حروف نازک به علت نرسیدن مرکب به این نقاط وجود دارد. در چاپ سنگی همین ویژگی با تپل نویسی در نستعلیق و به ویژه در شماره ها و انتهای دوایر، توسط مرحوم استاد کلهر، برای جلوگیری از خوردگی و افت چاپ صورت پذیرفت.

علاوه بر شناخت این ویژگی ها و لحاظ نمودن اصول وقواعد حاکم بر طراحی قلم، آشنایی و تخصص کافی در زمینه امکانات و تجهیزات فنی و مهارت در نرم افزارهای حرفه ای طراحی قلم نیز از ضروریات به شمار می روند. [منبع: کتاب خوشنویسی و طراحی حروف، امیر رضائی نبرد]

● طراح قلم و فونت

منطق دستگاه چاپ زمانی شکل می گیرد که شما حروف را جدا جدا از هم، کنار یکدیگر چینش کنید تا به کلمه و جمله مورد نظر خود برسید. این منطق که حروف را به صورت واحدهایی مستقل از هم طراحی کنیم و سپس به هم بچسبانیم بیشتر منطبق بر خطوط لاتین است تا فارسی.

در نگارش و کتابت قدیم ما کمتر با مفهوم حروف از هم گسسته روبرو بودیم و پیوستگی در ذات حروف فارسی وجود دارد. چنانکه ممکن است یکی از حروف مثل "س" در یک کلمه با کلمه ای دیگر به شکلی متفاوت نوشته شود.

در زبان های لاتین اتصالات بین حروف معنای چندانی ندارد ولی در فارسی اتصالات بسیارند که عدم توجه به آنها فونت را از زیبایی دور می سازد.

در سال ۱۷۲۷ میلادی اولین چاپخانه خط عربی افتتاح شد. این کتاب در سال ۱۷۳۲ چاپ شد و همانطور که در تصویر مقابل می بینید به فارسی است. حروف تا حدی ساده شده اند ولی حروف مرکب وجود دارند و در فواصل بین کلمات شاهد بی نظمی هستیم.

پس زمانی که دستگاه چاپ به حوزه خطوط عربی و فارسی ورود پیدا کرد نیاز به طراحی حروف منفصل پیدا شد. مناسب ترین خطی که می تواند به کارکرد دستگاه های چاپ نزدیک شود، خط نسخ است. خط نسخ دارای ترکیبات بسیار کمتری نسبت به دیگر خطوط سنتی مثال خط نستعلیق است. خوانا است و فضای کمتری اشغال می کند. همینطور برای حروف آن می شود به منطق حروف منفصل مناسبی رسید.

در سال ۱۶۲۷ چاپخانه اسامیریادالا پروپاگاندا در رم

شروع به کار کرد، که همه چاپخانه هایی که حروف عربی چاپ می کردند را پشت سر گذاشت. در تصویر بعد می بینیم که طراحی حروف به خط نسخ قرآنی نزدیک تر شده است. امروزه برای طراحی قلم و فونت معمولا طراح یکی از

يَسْجِ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَعَنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ وَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَاللَّهُ الْبَصِيرُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بَدَاتِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ثنا و شکر فی آنها اول مالک الملك والمکوت صاحب الکتاباء والجبروت تقدس وتعالی درگاهنه شایاندرکه تدبیر نظام عالم و تنظیم امور بنی آدم انک ارادت علیه سینه منوط وتعدیل ونسویه احوال ام مشیت ازلیه سینه موقوف ومربوط در ودرو دبی پایان اول بیغیر آخر زمان دوللپناه اهل ایمان جنبانه شایسته درکه قانون سیاست شرع مبینی اصلاح مزاج دولته سند کافی طب نبوی اولان سنن سنیه سی مجمع قوای قواعد دین وملته دواى واقیدر وترضیه ونعلیم آل واصحاب نصفه نصبله لایقدرکه مسالک حجت اتصافارینه سلوک تقوم کارگاه ملکه دستور ابدی وانکار میمنت احتوالینه تمسک تمشیت

حروف مادر را انتخاب کرده و سپس اقدام به طراحی فونت بر آن اصلوب می نماید. در این بین دو خط نسخ و کوفی بیشترین توجه را به خود جلب کرده اند.

● طراحی حروف

طراحی حروف به معنای آنست که الفبایی را طراحی کنیم که قابلیت تایپ در موقعیت های گوناگون را داشته باشد. طراحی حروف که خود از زیر مجموعه های تایپوگرافی محسوب می شود، غنا بخشیدن به فرم و جنبه بصری متن و نوشتار است. ، برخلاف مسوولیتی که در دنیای سنتی به خط واگذار شده بود تا با سهل ترین و خواناترین صورت ، مفهوم خود را بیان نماید و در نگاه اول محتوا و مفهوم فرم یکجا به بیننده و خواننده القا شود.

واحد اندازه گیری حروف، پوینت POINT نامیده می شود. هر چه پوینت بیشتر باشد حروف بزرگتری خواهد داشت. فضای بین خطوط لیدینگ LEADING نامیده می شود. هر چه که عدد لیدینگ بیشتر باشد، فضای گسترده تری را در اختیار دارید.

فضای نوشتاری ممکن است به صورت حروف با وزن های مختلف در صفحه قرار گیرند، وزن های به میزان ضخامت یا سنگینی حروف باز می گردد. شکل و نوع حروف در زیبایی کار تاثیر گذار است. باید بدانید از چه فونت و نوشته ای برای موضوع مورد نظر استفاده کنید. امروزه وجود کامپیوترها امکانات جدیدی از نظر شکل و نوع حروف و انواع قلم (فونت) در اختیار ما قرار می دهد.

یکی از مهمترین عوامل خوب بودن طراحی حروف، اهمیت دادن به خطوط افقی و عمودی است.

نکات زیر را در مورد فضای نوشتار باید مد نظر داشت:

- ۱- مطالب و نوشته ها باید به اندازه ای بوده که خوانده شوند.
- ۲- خواندن ترکیبی از حروف بزرگ و کوچک برای مخاطب آسان تر از خواندن حروف صرفا بزرگ باشد.
- ۳- خواندن خطوط طولانی، نوشته ها، چشم را خسته می کند.
- ۴- فضای نوشتاری که راست چین یا چپ چین بوده آسان تر از نوشته ای خوانده می شود که وسط چین باشد.
- ۵- نوشته سفید روی زمینه سیاه سخت تر خوانده می شود، همچنین نوشتار رنگی، به ویژه روشن به سختی خوانده می شود. اساسا صحیح نیست که نوشته تیر، معمولا بزرگ و یا با حرف توپر و به صورت رنگی روی پس زمینه های تیره و روشن تایپ شود.
- ۶- حروف توپر، فشرده، یا ایتالیک برای بخش های مهم آورده می شود، چرا که آن ها چشم را خسته می کند.
- ۷- فضای نوشتاری خلوت معمولا بهتر از فضای نوشتاری شلوغ خوانده می شود.

اینک هنرمندان بدعت و شگفتی را به همراه زیبایی ، از اهداف مهم بصری تعیین کرده اند ، آنها هم با سه اقدام مهم:

۱- تغییر شکل در حروف (Deformations)

۲- اغراق در حروف (Exaggerated)

۳- ساده سازی حروف (Simplified)

[illegible]

ا ا ا ا ب ب ب ب پ پ چ چ چ ذ ذ ر
ش ش ش ش ض ض ض ض ظ ظ ظ ظ
غ غ غ غ ف ف ف ف ق ق ق ق گ گ
ل ل ل ل م م م م ن ن و و ه ه ی ی
(لا لا لا لا ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰ - ... ؛)

کمتر کسی به این نکته توجه کرده است. ولی بطور طبیعی ، شکل حروف باید طوری انتخاب شود که دارای هماهنگی تصویری با محتوای آن باشد و در نتیجه درک مطلب برایش بهتر و مطبوع تر می شود .

تایپوگرافی فقط جابجا کردن خط کرسی حروف نیست و باید به ظرفیت های حروف فارسی آشنا باشیم. حروف فارسی بخاطر فرم خاصی که دارد برخلاف حروف لاتین ، اگر فواصل بین حروف برداشته شود و بهم نزدیک یا به یکدیگر بچسبند، خوانایی خود را از دست نداده و می توان فرم های خاصی را از ترکیب فونت های امروزی براساس ترکیبات خوشنویسی گذشته بدست آورد. ما برای رشد و پیشرفت تایپوگرافی باید با شناخت و توجه به ملاک های زیبایی شناسی این هنر بر پایه گرایش های بومی و ملی ، آن را در فضایی جهانی جستجو کنیم و با فهم صحیح از هنر ایران، به ویژه خوشنویسی، جایگاه تایپوگرافی ایرانی را ارتقا دهیم.